

مدل مفهومی کنشگری اجتماعی زنان بر اساس سیره امامان معصوم (ع) در قیاس با جریان‌های فکری معاصر

حوریه ربانی اصفهانی^۱ و اصغر منتظرالقائم^۲

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۲۵

چکیده

اشتراک بین زن و مرد در نظام هستی، تداوم حیات اجتماعی و اصول ارزشی - حقوقی، از مفاهیم اصلی اسلام بوده و تفاوت‌ها، تنها مربوط به عرصه تفاوت‌های جنسیت است. بدین سبب، تاریخ تشیع شاهد حضور بانوان بسیاری در عرصه اجتماعی و فرهنگی بوده است. در عصر حاضر، سه جریان سنت‌گرایی اسلامی، تجددگرایی اسلامی و تمدن‌گرایی اسلامی، به‌عنوان مهم‌ترین جریانات فکری موجود در بستر اسلامی بیان می‌گردند. هرکدام از این جریانات، رویکرد متفاوتی نسبت به حضور زنان دارند؛ لذا این پژوهش به دنبال پاسخ این سئوالات است: آیا زنان در تحولات فکری و فرهنگی جامعه اسلامی در زمان ائمه (ع) نقشی داشته‌اند؟ با توجه به محدودیت‌های موجود در آن زمان، مدل فعالیت و نحوه تاثیرگذاری آنان، به چه صورت بوده است؟ کدام جریان فکری عصر حاضر، متناسب با آن می‌باشد؟ پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، بر آنست تا شیوه فعالیت آموزشی - فرهنگی زنان در زمان امامان شیعه را استخراج نموده و جریان متناسب با آن در عصر حاضر را به‌گونه‌ای که پاسخ‌گوی مقتضیات زمان باشد، بیان نماید. نتایج حاکی از تایید مدل تمدن‌گرایی اسلامی در منش ائمه، در مواجهه با فعالیت بانوان است.

کلیدواژه‌ها: کنشگری، زنان، شیعه، سنت‌گرایی اسلامی، تجددگرایی اسلامی، تمدن‌گرایی اسلامی.

۱. * استادیار گروه مطالعات زنان دانشکده الهیات و معارف اهل‌بیت دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول):

h.rabbani@theo.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۲۲

۲. عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان: montazer@itr.ui.ac.ir

مقدمه :

طبق تعالیم اسلام، مسئولیت‌های فرهنگی - اجتماعی، به‌طور یکسان متوجه مرد و زن است و در اسلام برای زنان چون مردان در بیشتر مسایل اجتماعی و فرهنگی، جایگاه مناسبی مشخص شده و آنان از حرکت‌های فرهنگی - اجتماعی و فعالیت‌های گروهی، منع نگردیده‌اند؛ لذا زن در پرتو شناخت و عمل، به عروج رسیده است و به تعالی ممکن برای نوع انسان دست می‌یابد؛ از این رو، به هدایت‌گری و امر به معروف و بازدارندگی از زشتی‌ها و ناهنجاری‌ها می‌پردازد. در واقع زنان همانند مردان، باید در مسایل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان راس هرم مسایل اجتماعی، دخالت و نقش داشته باشند؛ «ولی این مطلب را باید مد نظر قرار داد که شرط اصلی سعادت هر یک از زن و مرد در حقیقت جامعه بشری این است که هر دو جنس، در مدار خویش به حرکت خود ادامه دهند (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۲۹۵)». در حقیقت، در اسلام اصل بر اشتراک بین زن و مرد در نظام هستی، تداوم حیات اجتماعی و همه اصول ارزشی - حقوقی است و تفاوت‌ها تنها مربوط به جاهایی است که تفاوت‌های جنسیتی وجود دارد و بدین سبب تاریخ تشیع، شاهد حضور بانوان بسیاری در عرصه اجتماعی و فرهنگی بوده است. در این میان، نقش برخی از ایشان حساستر و از اهمیت بیشتری برخوردار است.

در عصر حاضر سه جریان سنت‌گرایی اسلامی، تجددگرایی اسلامی و تمدن‌گرایی اسلامی، به‌عنوان مهم‌ترین جریان‌های فکری موجود در بستر اسلامی بیان می‌گردند که هر کدام رویکرد متفاوتی نسبت به حضور زنان دارد. برخی قائل به حضور حداقلی زن در اجتماع بوده‌اند. عده‌ای دیگر حضور زن را در حد ضرورت مجاز می‌دانند و در مقابل، تفکر حضور نامحدود و حداکثری یا حضور تحت شرایطی ارائه می‌گردد. در این میان، روند جوامع مسلمان در دوره‌های مختلف متفاوت است؛ لذا این پژوهش به دنبال پاسخ این دغدغه‌ها در قالب سوالات زیر و در جهت بهره‌مندی از این پتانسیل عظیم در راستای مبانی اسلامی می‌باشد: نقش زنان در تحولات فکری و فرهنگی جامعه اسلامی در زمان ائمه (ع)، چگونه بوده است؟ با توجه به محدودیت‌های موجود در آن زمان، مدل فعالیت و نحوه تاثیرگذاری آنان، به چه صورت بوده است؟ کدام جریان فکری عصر حاضر، متناسب با آن می‌باشد؟

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای، بر آنست تا مدل فعالیت آموزشی- فرهنگی زنان در زمان امامان شیعه را استخراج نموده و جریان متناسب با آن در عصر حاضر را به گونه‌ای که پاسخ‌گوی مقتضیات زمان باشد، بیان نماید.

پیشینه تحقیق

با بررسی منابع برخی از پژوهش‌هایی که مرتبط با این موضوع یافت می‌گردد، بسیاری از آن‌ها، همچون مقاله شادی طلب (۱۳۸۲)، تنها به مشارکت اجتماعی زنان، بدون رویکرد دینی می‌پردازد یا محمصص (۱۳۹۱) در مقاله «علامه محمد حسین فضل الله و فراخنای اندیشه شیعی در حوزه مشارکت اجتماعی زنان»، در قالب شیوه‌ای تحلیلی - اجتهادی، تنها به پردازش آیات قرآنی در این موضوع پرداخته و سیره معصومین و رویکردهای نظری را لحاظ نمی‌کند.

مقاله «مشارکت اجتماعی زنان در سیره پیامبر و مقایسه آن با قرانت غزالی در احیاء علوم الدین»، نوشته دلیر (۱۳۹۲)، به موضوع پژوهش ما نزدیک است؛ لیکن تنها دوره پیامبر در اندیشه غزالی را در نظر داشته و رویکردهای مد نظر در این پژوهش را ندارد.

پژوهش حسن پور (۱۳۹۳)، با عنوان «مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان از دیدگاه قرآن»، به احیای ارزش مقام زن توسط اسلام در خانواده و اجتماع تاکید داشته و به تبیین مسایلی، همچون شهادت، اشتغال و سایر حقوق اقتصادی زن می‌پردازد.

احمدی و سیدی در مقاله «مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه کتاب، سنت و فقه اسلامی»، بر این باورند که شریعت اسلامی ضمن پذیرش حضور اجتماعی زنان، آداب و وظایفی را برای این حضور مقرر داشته است.

اسماعیلی فلاح و همکاران (۱۴۰۲)، شاخصه‌های حاکم بر مشارکت اجتماعی زنان را از دیدگاه اسلام، مورد بررسی قرار داده و مولفه‌های فقهی حاکم بر مشارکت را بیان می‌نمایند؛ همچنین برخی دیگر از منابع که در این موضوع انجام گرفته است، غالباً با رویکرد الگوگیری از منش معصوم نبوده یا در صورت نزدیکی به این موضوع، رویکردهای سه‌گانه مشارکت را لحاظ ننموده است. این درحالی است که ادبیات حضور زنان در جهان، متأثر از اندیشه‌های تندرو فمینیستی بوده، رویکرد معصوم در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و دختر مسلمان به دلیل

ناآگاهی از آن، به دنبال راهکارهای غربی حرکت می‌کند. این واقعیات، نوین بودن و لزوم پرداختن موضوع حاضر را در زمینه راهبری نسل حاضر نشان می‌دهد.

مبانی نظری و جریان‌های فکری - دینی عصر حاضر در حوزه زنان

در خصوص نحوه کنشگری زنان در جامعه اسلامی، سه رویکرد وجود دارد که به شرح

ذیل است:

الف: سنت‌گرایی اسلامی

سنت‌گرایی اسلامی، جریانی است که قائل بر حفظ معارف، احکام دینی و سنت فارغ از هرگونه تفکر غیر دینی است. آنان در حوزه تکلیف، ملاک را تکلیف فردی دانسته و نسبت به عقلانی و عرفی بودن و همچنین تکامل و گسترش روش‌های اجتهاد، دچار نقصان هستند (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۱۸). آنان فقه پویا را قبول نداشته و این مطلب، زمینه‌ساز ناکارآمدی آن‌ها در حوزه مسایل زنان، متناسب با شرایط روز می‌شود (همان، ص ۲۲). این جریان باتوجه به مبانی ساختاری، رویکرد خانواده‌گرا، یعنی زن در خانه و برای خانواده، نسبت به زنان داشته (پیروزمند، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲) و برای حضور زنان در جامعه، دو سطح حضور در حد ضرورت را متصور است (حاجی اسماعیلی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰). آنان برای اثبات دیدگاه‌های خود از برخی استدلال‌ها، همچون عدم توانمندی زنان برای انجام این فعالیت‌ها به دلیل نقص عقل زنان بهره می‌گیرند (پیروزمند، ۱۳۸۰، ص ۱۰۹).

ب: تجددگرایی اسلامی

تجددگرایی اسلامی، واکنشی بود که توسط برخی تحصیل‌کردگان مسلمان در کشورهای غربی و در رویارویی با اشاعه فرهنگ غرب در کشورهای اسلامی به وجود آمد. به دلیل رکود موجود در عرصه علم و فناوری، این افراد به فکر چارجویی افتاده و راهکار را تمسک به اصول مدرنیته تشخیص دادند. روشنفکران این رویکرد، در دو دسته تجددگرایی سکولار و اسلامی قرار گرفتند (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۲۳).

این تفکر، راه حل مشکلات زنان را استفاده از علوم نوین دانسته که مبتنی بر عقل

ابزاری اند؛ یعنی پذیرش نسبیّت در فهم حقایق و معارف و تاریخی شدن ارزش‌های تاریخی، از اصول آنان است. آنان فقه را چندان قبول نداشته و قائل به تغییر اجتهاد، متناسب با زمان و مکان هستند (شبستری، ۱۳۷۹، ص ۱۸). برخی از آنان، اجتهاد مدرن را در مسایل زنان راهگشا می‌دانند (اسحاقی، ۱۳۸۴، ص ۶۴) و معمولاً تبیین‌هایی که در حوزه زنان ارائه می‌دهند، تجزیه‌گرا و بسیار متأثر از فرهنگ غرب و مدرنیته در کنار معارف اسلامی است (زاهد زاهدانی و هاشم پور، ۱۴۰۲، ص ۲۰۷).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

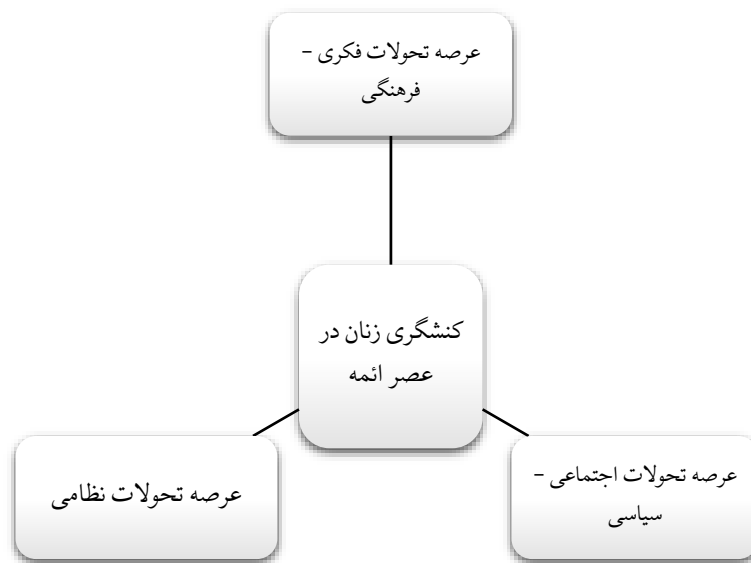
دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

ج: تعادل‌گرایی اسلامی

سومین جریان، تعادل‌گرایی اسلامی است که تفکر عالمان اصیل نواندیش (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۳۱) بوده است. کل‌نگری، خصیصه بارز آن می‌باشد (زاهد زاهدانی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۳). از نظر این متفکران، نگرش نظام‌واره‌گی و سیستمی، از لوازم جدانشدنی نگرش تعادل‌گرایانه است. آنان معتقدند، مسایل زنان را باید با نگاه جامع و نظام‌وار به تمدن و حیات بشری نگریسته و نمی‌شود نگرشی غربی را گرفته و در جامعه مسلمان اجرا کرد. ایشان روش‌های فقه سنتی را تایید می‌کنند، ولی تکمیل آن را لازم می‌دانند (زاهد و خواجه نوری، ۱۳۸۴، ص ۶۳)؛ از این رو، تعادل‌گرایان اسلامی در حوزه زنان، از منظر دینی وارد موضوع‌شناسی اسلامی ویژه می‌شوند و از جمله نظرات در زمینه حضور اجتماعی زنان هم، متأثر از این روش است (زاهد زاهدانی و هاشم پور، ۱۴۰۲، ص ۲۰۷). این جریان معتقدند، حضور اجتماعی زنان سبب تکامل جامعه گردیده و افق اندیشه زنانه را از سطح خرد به سطح کلان ارتقا می‌بخشد (پیروزمند، ۱۳۸۰، ص ۱۱۹). در این الگو، حضور زن در اجتماع و فعالیت‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، از حقوق طبیعی و مسلم اوست و به‌ویژه در عرصه تصمیم‌سازی، بایستی لحاظ گردد (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۶)؛ لیکن این حضور نباید نقش کلیدی او را در حوزه همسری و خلق و پرورش نسل آینده‌ساز، زایل سازد. این نقش‌ها باید به صورت مکمل و حساب شده لحاظ گردند و به لحاظ زمان و مکان اولویت‌بندی شده و در جهت تقویت یکدیگر قرار بگیرند (زاهد زاهدانی و هاشم پور، ۱۴۰۲، ص ۲۱۲). این دو جنس انسانی متفاوت، با تشکیل خانواده به‌عنوان ابرنهاد اجتماعی اسلام، راه را برای سلامت جامعه و سعادت آخروی هموار می‌کنند.

مدل مفهومی کنشگری اجتماعی زنان بر اساس سیره امامان معصوم (ع) در قیاس با جریان‌های فکری معاصر

باتوجه به مطالب که ذکر شد، در ادامه شیوه‌های مختلف فعالیت زنان در عصر ائمه، از منابع اصیل استخراج گردیده و سپس رویکرد فکری اسلامی متناسب با آن در عصر حاضر، تبیین می‌گردد. عرصه‌های کنشگری زنان در عصر معصوم، به شرح ذیل است:



نمودار ۱: عرصه‌های فعالیت زنان در عصر معصوم (ع)

فعالیت در عرصه تحولات فکری - فرهنگی جامعه اسلامی

عصر جاهلی، از تاریک‌ترین دوران در موضوع زن است؛ به گونه‌ای که در این دوران، حتی حیات دختران نیز در مظان تردید قرار گرفته می‌شد. در این خصوص، قرآن در آیات مختلف، همچون آیه ۵۸ سوره نحل به آن اشاره نموده است.^۱ ظهور اسلام، تحول عظیمی را در حوزه زنان رقم زد. قرآن آفرینش زن و مرد را از گوهری واحد عنوان نموده (نسا: ۱) و

۱. «هنگامی که مردی را به فرزند دختر بشارت می‌دادند، از شدت اندوه، رخسارش سیاه و سخت دلتنگ می‌شود و از این ننگ، روی از قوم خود پنهان می‌داشت و به فکر فرو می‌رفت که آیا آن دختر را با ذلت نگه دارد، یا زنده به گور کند.»

تداوم بشر را منوط به هردوی آن‌ها دانسته و فضایل را برای هردو جنس، نه فقط مردان، معرفی کرده است (روم: ۲۱؛ اعراف: ۱۸۹). تثبیت و تداوم این اندیشه در جامعه، به‌ویژه در زمان پیامبر پیامدهای مثبتی را در موضوع زنان ایجاد نمود که بعضا ادامه آن در زمان ائمه و در شکل حضور موثر زنان در عرصه‌های مختلف دیده می‌شود. یکی از این بسترها، حضور در قالب فعالیت علمی است. در ادوار گوناگون، بستر فعالیت علمی مردان بیش از زنان فراهم بوده و این امر زمینه‌ساز نقصان رشد زنان بوده است. این موضوع به مکان و زمان خاصی تعلق نداشته و به همه دنیا تسری می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که یکی از مطالبات جنبش زنان در موج اول توسط فمینیسم لیبرال، حق آموزش برابر است (بستان، ۱۳۹۰، ص ۴۰-۴۱)؛ لیکن جامعه اسلامی از بدو تشکیل توسط پیامبر و بعد در زمان ائمه (ع)، در اصول بنیادی با این موضوع موافق و بر آن تاکید نموده است. این موضوع زمینه‌ساز رشد علمی زنان در آن دوران و الگویی مناسب برای عصر حاضر می‌باشد. برخی از این فعالیت‌ها به شرح ذیل است:

الف: تعلیم و تعلم مبانی دینی - علمی

آموزش دیدن و آموزش گرفتن، از عرصه‌های بسیار مهم و از عوامل تاثیرگذار بر رشد جامعه است و از آن جایی که بانوان تقریبا نیمی از جمعیت آن را تشکیل می‌دهند، لذا توجه به این موضوع در ارتقاء جوامع بسیار مهم می‌باشد. در عصر ائمه که ادامه نهضت پیامبر بود، زنان بسیاری در این بستر فعال بودند. براساس نتایج تحقیق، حیطه فعالیت زنان در حوزه تعلیم و تربیت، شامل موارد ذیل می‌گردد:

اول: پاسخ‌گویی مسایل دینی:

حفصه دختر سیرین، از سادات جلیل‌القدر و عالمه‌ای بود که زمان امیرالمومنین را درک کرده و مرجع پاسخ‌گویی زنان و مردان بود. از جمله افرادی که به او مراجعه می‌کردند، ابن سیرین بود (فاضلی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۶)؛ همچنین حمیده بربریه المصفا، همسر امام صادق (ع) و مادر موسی بن جعفر (ع)، بانوانی بودند که امام صادق (ع)، زنان را در احکام دینی به ایشان ارجاع می‌نمودند (محلاتی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۸). حدیث، همسر امام هادی (ع)، مادر امام حسن عسکری (ع) (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۵۰۳)، از جمله شخصیت‌هایی بود که

نقش اساسی در جریان‌ات روزگار خود داشته و چون جده حضرت حجت (عج) بود، به لقب جده اشتهار داشت. ایشان مقامی بسیار بزرگ داشته و بانویی عالم و محدث بود که علاوه بر نقش تربیتی و پرورش فرزندی، همچون امام حسن عسکری (ع)، بر حسب تعلیمات امام دهم و مکتب اهل بیت، به مبارزه فرهنگی نیز پرداخت. این بانوی مکرمه، در مدینه معلم زنان بزرگ عرب و مشایخ علما بوده است (اوحدی حائری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۶). ایشان همچنین به پاسخ‌گویی شبهات و سئوالات شیعیان می‌پرداخت. از دیگر بانوان بزرگوار موثر در زمان امام عسکری (ع) و امام زمان (عج)، حکیمه خاتون، عمه امام عسکری (ع)، دختر امام جواد (ع) بود که فضایل بسیار از ایشان نقل شده. ایشان در میان سادات علویه و بنات هاشمیه، از جهت فضایل، عبادت، تقوا و علم، ممتاز بوده و به حمل اسرار امامت نیز سرفراز گشتند و افتخار درک خدمت چهار امام را داشتند. اعتماد به ایشان به اندازه‌ای بود که امام هادی (ع)، آموزش معالم دین، احکام شرع و آداب الهیه مادر امام زمان، نرگس خاتون را به ایشان سپرد. این بانوی فاضله، بعد از شهادت امام حسن عسکری (ع)، منصب سفارت از امام زمان (عج) داشته و عرایض مردم را به آن حضرت ابلاغ کرده و توقیعات آن حضرت را به مردم می‌رساندند. ایشان همچنین، به قابله‌گری امام زمان مفتخر شدند (حسینی کهلایی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴). خدیجه دختر امام جواد (ع)، خواهر امام هادی (ع) نیز زنی عارفه، جلیل‌القدر و عالم به اخبار بوده که در آن زمان زندگی می‌کرد. ایشان محل رجوع شیعیان، به خصوص زنان قرار داشت (امین، ۱۳۴۵، ج ۶، ص ۳۱۳).

دوم: ایجاد حلقه‌های دانشی:

از جمله فعالیت‌های حضرت زهرا (س)، تشکیل کلاس و حلقه‌های درسی در جهت آموزش زنان و ارتقاء توانمندی و کنشگری همراه با آگاهی آنان بود. آگاهی از اینکه در دوران امام علی (ع) هم مانند دوره حکومت نبوی، بدون نگرانی از تعصبات جاهلی، می‌توانند در جامعه مشارکت فرهنگی - اجتماعی داشته باشند و انتخاب ایشان، حقوق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آنان را تضمین و بیعت با امام، آنان را به حق حیات خود می‌رساند (پورعزت، ۱۳۸۷، ص ۶۷).

این عرصه از فعالیت علمی زنان در زمان امام صادق (ع)، بسیار پررنگ است و این امر، به دلیل مساعد گشتن فضای عمومی جامعه برای این فعالیت‌ها بود. حاصل زحمات ایشان و شاگردانشان، ایجاد یک نهضت علمی و تشکیل حلقه‌های دانشی گوناگون در مدینه و کوفه بود (شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۷۳). زنان و مردان بسیاری در محضر ایشان تعلیم می‌دیدند. از جمله این زنان، حسنیه بود که به شاگردی امام صادق (ع) نایل شد. از نتایج این کسب فیض در محضر امام، مباحثه او با علمای زمان در دربار هارون و محکوم کردن آن‌ها و بیان حقانیت اهل بیت (ع) گردید (مجلسی، ۱۳۶۲، ص ۱-۶۱).

سوم: روایت حدیث:

زنان شیعه برای فراگیری و آموزش تعالیم معصومین (ع) در طول تاریخ مسلمانان، همت گماشته و معارف و دانش‌های بسیاری را از آن بزرگواران فرا گرفته و به نسل‌های بعد منتقل کرده‌اند. برخی از آنان عبارتند از: ام مبشر انصاری، بانوی مکرماه‌ای که به طور مستقیم از پیامبر (ص) روایت نقل کرده است و افرادی مثل جابر بن عبدالله انصاری، از وی روایت می‌کرد. این مطلب نشان از جایگاه این بانوی بزرگوار داشت (محمد بن سعد کاتب، ۱۳۸۸، ص ۴۵۵-۴۵۶). از دیگر زنان راوی حدیث از پیامبر (ص): زینب دختر عبدالله بن مسعود، ام عطیه انصاری، خنسا دختر خدام انصاری، ام ورقه دختر عبدالله بن حارث، ام علا انصاری، ام هانی انصاری، ام سلیم (محمد بن سعد کاتب، ۱۳۸۸، ص ۴۵۲-۴۵۷) و در راس آن‌ها حضرت زهرا (س) بودند (امین، ۱۳۴۵، ج ۳، ص ۴۷۹). از جمله زنان فاضله در دوران امام حسن (ع)، فاطمه بنت علی بن ابی طالب یا فاطمه صغری است که برقی، او را از راویان حدیث از امام حسن شمرده است (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۱). حبابه الوالیبه یا ام البراء، زنی بسیار پاکدامن، کوشا و از اصحاب و راویان امیرالمومنین، امام حسن، امام حسین، امام سجاد، امام باقر، امام صادق، امام کاظم و امام رضا (ع) بوده. ایشان زمان این بزرگواران را درک کرده و به خدمت ایشان رسیده است و به صاحبه الحصاه معروف است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۴۶). فاطمه بنت حبابه الوالیبه، از دیگر بانوان عالمه و محدث و راوی احادیث امام حسن (ع) و امام حسین (ع) است (همان؛ صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۵۳۶). فاطمه یا قریبه، دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر، همسر امام باقر (ع) و مادر امام

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

صادق (ع) است که برخی ایشان را از راویان امام صادق (ع) شمرده‌اند (خویی، بی‌تا، ج ۲۳، ص ۱۷۹). علامه مامقانی او را ثقه می‌داند (مامقانی، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۷۳). مسعودی در مورد ایشان می‌گوید: از پرهیزگارترین زنان زمان خویش بوده و از علی بن الحسین (ع) روایت می‌کرد (مسعودی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۲). از دیگر زنان، خدیجه دختر امام محمد بن علی بن الحسین (ع) است که شیخ طوسی ایشان را از اصحاب و راویان امام باقر (ع) دانسته است (غروی نائینی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۶). ام سعید احمسیه، از بزرگان فحول اصحاب امام صادق (ع) است. از او روایت کرده‌اند و مامقانی وی را امامیه می‌داند (حسینی کهلایی، ۱۳۸۴، ص ۵۴). از زمره راویان امام کاظم (ع)، رقیه بنت اسحاق را معرفی کرده‌اند (غروی نائینی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۰). از دیگر زنان محدث در زمان امام کاظم (ع)، سعیده است که که کلینی وی را از نزدیکان امام کاظم (ع) دانسته است. امام رضا (ع) در نامه‌ای به امام جواد (ع)، سعیده را چنین ستوده‌اند: «سعیده بانویی است که در همه مراحل و روش‌ها، اراده قوی داشته و در کارها دقت نظر دارد»؛ همچنین شیخ طوسی و برقی او را از راویان و اصحاب امام کاظم (ع) دانسته‌اند (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۵۵۵؛ طوسی، ۱۳۸۱، ص ۳۶۶). از دیگر زنان عالمه در دوران امام کاظم و امام رضا، سکن النوبیه، همسر امام کاظم (ع) و مادر امام رضا می‌باشد (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۸۶؛ مفید، ۱۳۹۹، ص ۳۰۴). ایشان زنی بسیار پارسا و از راویان فرزندش امام رضا (ع) بودند (اربلی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۱۳). بانوی مکرمه، خیزران همسر امام رضا (ع) و مادر امام جواد (ع) (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۹۲؛ ابن بابویه، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۷)، از زنان راوی حدیث و از فاضل‌ترین زنان عصر خویش به شمار می‌رفتند (قهپایی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۴). از دیگر راویان حدیث در دوران امام جواد، زینب بنت محمد بن یحیی را می‌توان نام برد (غروی نائینی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۱). از افتخارات زنان در دوران امام رضا و امام جواد (ع)، فاطمه دختر امام کاظم (ع) و خواهر امام رضا (ع)، معروف به فاطمه معصومه (س) است. ایشان زنی عاقل، عابد، کریم، محدثه و با تقوا بودند که از پدران گرامیشان حدیث نقل کرده‌اند. ایشان معارف دینی را از محضر برادرشان امام رضا (ع) آموختند و در عنفوان جوانی، سرآمد زنان روزگار خود و از زمره راویان حدیث غدیر گشتند که علامه امینی، نام ایشان را ذکر کرده است (امینی، بی‌تا، ج ۱، ص

۱۹۷). از راویان امام هادی (ع)، کلثم الکرخیه (غروی نایینی، ۱۳۷۵، ص ۲۶۹) و سمانه مغربی - مادر امام هادی (ع)، معروف به ام الفضل - را می‌توان نام برد (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۹۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۱۱۴-۱۱۵؛ قهپایی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۷۶).

فاطمه یا قریبه، همسر امام باقر (ع) و مادر امام صادق (ع) (علوی عمری، ۱۴۰۹، ص ۹۴؛ حلی، ۱۴۰۷، ص ۲۲۵)، بانوی عالمه‌ای بود که برخی او را از راویان امام صادق (ع) شمرده‌اند (خویی، بی‌تا، ج ۲۳، ص ۱۷۹) و علامه مامقانی او را ثقه می‌داند (مامقانی، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۷۳). محمدبن یحیی روایت می‌کند: «ام فروه را دیدم که ناشناس دور کعبه طواف می‌کرد و حجرالاسود را با دست چپ استلام می‌نمود. یکی از مردان به او گفت: سنت را اشتباه به‌جا آوردی. ایشان گفت: ما از علم شما بی‌نیازیم» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۴۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶، ص ۳۶۷). رباب همسر داود کثیر رقی، از اصحاب و راویان امام صادق (ع) می‌باشد. ایشان دارای کتاب هستند و از گفتار و آثارشان، شانیت ایشان مشخص می‌گردد (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۴۶).

چهارم: حمل اسرار معصوم:

ام سعید احمسیه، فاضله دیگری بود که حامل بسیاری از اسرار اهل بیت بود. شیخ طوسی او را از اصحاب امام صادق (ع) شمرده است (حسینی کهلهایی، ۱۳۸۴، ص ۵۴). از دیگر زنان دانشمند در زمان امام صادق (ع)، سعیده مولاة امام جعفر (ع) بود که از حضرت صادق (ع) معارفی را اخذ نمود. در نزد او، وصیت پیامبر (ص) بود. حضرت صادق (ع) در حق او فرمودند: «از خدایی که ما را در دنیا به یکدیگر آشنا ساخته است، خواسته‌ام که در بهشت نیز ما را با یکدیگر تزویج نماید» (امین، ۱۳۴۵، ج ۷، ص ۲۶۲).

پس از دوران طلایی امامت امام صادق و اعتلا حضور زنان در عرصه علمی، این جریان همچنان ادامه داشت؛ ولیکن کم رنگ شدن آن، به دلیل شرایط اجتماعی و سیاسی و سختی‌های عصر خلفای عباسی است.

پنجم: تخصص در علوم غیر دینی:

در زمان امام جواد (ع)، توران دخت دختر حسن بن سهل، از زنان دانشمندی بود که در

برخی علوم مهارت کامل داشت که علم نجوم از آن جمله بود. وی به وسیله دانش خود، مولود معتصم عباسی که خلیفه وقت بود را از مرگ حتمی نجات داد و برای خود، عنوان و اعتباری کسب نمود (حسینی کهلایی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰).

از دیگر عرصه‌های حضور علمی، فعالیت برخی زنان در حوزه علوم پزشکی و پرستاری است. در این زمینه می‌توان به ام مطاع، ام کبشه، حمنه بنت جحش معازه، لیلی، امیمه، ام زیاد و ربیع بنت معوذ بن عفراء اشاره کرد که در حوزه پزشکی فعال بوده و به طبابت و جراحی می‌پرداختند (ابن جوزی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۳۷)؛ همچنین حکیمه خاتون که به قابله‌گری امام زمان مفتخر شدند، از جمله ایشان هستند (حسینی کهلایی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴).

ب. فعالیت در عرصه تحولات سیاسی - اجتماعی

با بررسی منابع مختلف، عرصه دیگری از فعالیت‌های زنان در عصر ائمه (ع) استخراج می‌گردد که در قالب فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، به اشکال مختلف است. این فعالیت‌ها، به شرح ذیل می‌باشند:

اول: احیاء سیمای زن مسلمان نبوی

پس از رحلت رسول خدا (ص) و در دوران خلفا، در جامعه اسلامی تحولات بسیاری صورت گرفت که از جمله، تحول در حوزه زنان است. در این دوران، ساختار ایجاد گردیده توسط پیامبر نادیده گرفته شده. زنان مجدداً از متن تحولات جامعه حذف شدند و هراقدامی در جهت اصلاح این روند، نوعی بدعت محسوب شده و با آن، برخورد می‌شد. در این میان، تعالیم قرآن و پیامبر (ص) و حضور قدرتمند حضرت زهرا (س)، حضرت زینب (ع) و هواداران اهل بیت (ع) در راستای ارائه تصویر صحیح از زن مسلمان و حقوق وی، ضرورت آمادگی برای تاثیرگذاری در عرصه عمومی را تبیین نمود؛ به‌عنوان مثال در جریان فدک، ایشان به دفاع از مالکیت بر حق زن در زمینه ارث در اسلام پرداختند که بر خلاف راه و رسم موجود در افکار آن زمان بود (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۰)

دوم: روشنگری سیاسی و دفاع از ولایت

یکی از نقش‌های موثر زنان در دوران ائمه که مغفول یا کم به آن پرداخته شده، فعالیت و روشنگری سیاسی زنان در آن دوران است. در آن زمان به دلیل اختناق حاکم، بسیاری از مردان جرات مقابله سیاسی به صورت مستقیم و غیر مستقیم را نداشتند؛ لیکن زنان به شیوه‌های مختلف در این میدان وارد شده و از حریم ولایت دفاع نمودند. برخی از این فعالیت‌ها عبارتند از:

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۳۷

۱. روشنگری سیاسی در قالب حضور در مجالس، صحبت و خطابه

تلاش‌های حضرت زهرا (س)، در نهادینه‌شدن عقاید و معارف اسلامی، همچون: توحید، عدل، رسالت، معاد و امامت و تبیین باورهای غلطی، همچون غصب خلافت، نمونه‌ای از فعالیت سیاسی و عملیات کنترل اجتماعی است. آن حضرت به اتفاق امام علی (ع) با حضور در مسجد النبی و خانه انصار و تشکیل جلسه برای بانوان انصار، با استناد به آیات قرآن، با خلیفه وقت به مناظره پرداخته و با رسوایی سیاسی حاکمان وقت، مشروعیت آنان و رسوم جاهلی را زیر سؤال بردند (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۰)؛ همچنین هنگامی که حضرت زهرا (س) به دلیل بیماری و ضعف در خانه بستری شدند، زنان مهاجر و انصار که وامدار تعلیم و تربیت فرهنگی آن حضرت بودند به عیادت ایشان رفته، از حال ایشان جويا می‌شدند؛ ولیکن آن حضرت به جای بیان حال خود، به دفاع از حریم ولایت می‌پرداختند؛ برای نمونه ایشان در نقد مردمان عصر فرمودند: «به خدا، دنیای شما را دوست ندارم و از مردان شما بیزارم... از آنچه کردند ناخشنودم... خشم خدا را خریدند و در آتش دوزخ جاویدند» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۸؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۶۵). ام سلمه همسر پیامبر (ص) نیز از دیگر مدافعان حریم ولایت در زمان حضرت علی (ع) بود که لحظات آخر عمر پیامبر (ص) را درک و درس آموخته مکتب آن حضرت بود (طبری، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۹۸). وی به برحق بودن حضرت زهرا (س) در قضیه فدک گواهی داد و به سبب این شهادت، ابوبکر و عمر یک‌سال حقوق او را قطع کردند. ایشان در دوران خلافت چهار خلیفه، به مناسبت وقایع مختلف، احادیثی از پیامبر (ص) در حمایت از خلافت و امامت امام علی نقل می‌کرد (محللاتی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۴ - ۲۹۵) وی در برخی مواقع،

ابویوب انصاری را به حمایت از امام علی (ع) فرا می‌خواند (محلّاتی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۶)؛ همچنین برای بازداشتن عایشه از جنگ با حضرت علی (ع)، او را بسیار نصیحت کرد و حتی برای وی نامه نوشت (احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۵۶، ۷۸؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۷۷-۸۰). ام سلمه هنگامی که معاویه دستور داد که بر منبر مساجد، حضرت علی (ع) را لعن کنند، به معاویه نوشت: «تو با فرمانت، خدا و رسولش را بر منبرهایتان لعن می‌کنید. من شهادت می‌دهم که دوست‌دار او (حضرت علی)، خدا و رسول هستند»؛ ولیکن کسی به صحبت او توجه نکرد (احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۵۶، ص ۷۸؛ کحاله، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۲۶)

علاوه بر ام سلمه، میمونه، همسر دیگر پیامبر (ص) نیز با او همراه بود (محلّاتی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۶) و در واقع این دوزن با یادآوری صحبت‌های پیامبر، مردم را به حمایت از حضرت علی (ع) تشویق می‌کردند. از دیگر زنان موثر، اسماء بنت عمیس بود که در آن فضای کتمان حقایق، به طرفداری از حضرت زهرا (س) پرداخت. او بر حق ایشان بر فدک شهادت داد و خیر جعلی خلیفه را مبنی بر «نحن معاشر الانبیاء لانورث ما ترکناه صدقه»، رد کرد. بیان و تکرار حدیث غدیر و خلافت بلافصل علی (ع)، از دیگر فعالیت‌های ایشان بود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۸۲). دارمیه حجونی، بانوی دیگری است که در آن دوران نفاق، به دفاع از حضرت علی (ع) پرداخت؛ به گونه‌ای که در جنگ صفین، با سخنرانی‌های پر شور، سربازان را علیه معاویه تحریک می‌کرد و حتی پس از احضار او به دربار معاویه، با شهامت و صلابت به فضائل علی (ع) اعتراف کرد (الضّبی، ۱۴۰۳، ص ۴۰-۴۳) از دیگر زنان مدافع ولایت امام علی (ع)، بانویی سالخورده به نام اروی، دختر حارث بن عبدالمطلب بود که به دربار معاویه احضار شد. وی در آنجا نیز معاویه را به غصب حکومت، محکوم کرد و در جواب توهین‌های عمرو بن عاص، زناکار بودن مادر و مشخص نبودن پدرش را بیان نموده و در آخر، معاویه را برای مسلط کردن این افراد بر جامعه مسلمین، مذمت نمود (عباس بن بکار الضّبی، ۱۴۰۳، ص ۴۷).

از دیگر زنان تاثیرگذار، سوده دختر عمار همدانی است که برای شکایت و عزل والی، به نزد حضرت علی (ع) رفته و با بیان دلایلی، ایشان را متقاعد نمود و پس از گرفتن حکم عزل،

راهی سرزمین خود شد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۱۱۹) عزل یک والی به عنوان یک قدرت مسلط، آن هم توسط یک زن، نشان از بینش امام در این خصوص و رشد حضور زن در جامعه را نشان می دهد.

سرآمد کنشگری زنان در عرصه تحولات سیاسی در همه دورانها، به ویژه دوران امامت امام حسین (ع)، حضرت زینب (س) بودند که با تاسی از مادرشان، الگویی برای همه عالمیان، نه فقط زنان، گردیدند. آن حضرت پس از واقعه کربلا و در موقعیت های مختلف، با شجاعت، درایت و فصاحت، به مبارزه با دستگاه خودکامه یزید پرداختند و از حریم امامت و اسلام اصیل، دفاع نمودند که از آن جمله، خطابه معروف ایشان برای مردم کوفه در دربار ابن زیاد است (قمی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۷۵۶). در کنار ایشان، خواهرشان، سیده ام کلثوم صغری نیز از دیگر زنان حاضر در کربلا بودند. ایشان بانویی بلیغ و سخنور بودند که به همراهی حضرت زینب (س) در حمایت از ولایت، در کوفه و شام سخنرانی نمود (حسون، ۱۳۷۹، ص ۱۶۷). از دیگر بانوان کربلا، ام وهب دختر عبد، همسر عبدالله پسر عمیر کلبی بود. ایشان تنها شهیده کربلا هستند. ایشان در تشویق همسرش برای یاری امام حسین (ع) گفت: «کار صواب می کنی و خدا تو را به بهترین راه هدایت برساند، برو، مرا نیز همراه خود ببر و ... گویند، ام وهب در هنگامه جنگ، چماقی برداشته و سوی شوهر خویش رفت و گفت: ... از باقیماندگان محمد دفاع کن» (طبری، ۱۳۵۲، ج ۷، ص ۳۰۳۱). وی پس از شهادت شوهرش، بر بالین او رفت و شهادتش را تبریک گفته از خدا خواست روزی او هم بشود. شمر که این صحنه را دید، به غلامش دستور داد تا گردن او را بزند (نجمی، ۱۳۶۵، ص ۲۶۷). عصر عاشورا که جنگ به پایان رسید، لشگر عمر سعد به خیمه ها حمله کردند و همه وسایل را غارت نمودند. در این شرایط، هیچ کس به جز زنی از قبيله بکر بن وائل که با شوهرش در لشگر عمر سعد بود، برای یاری اقدام نکرد. «چون دید که آن بی دینان متعرض دختران پیامبر (ص) شده اند و لباس آن ها را غارت می کنند، شمشیری برداشت و رو به خیمه کرد و گفت: ای آل بکر، آیا این مردانگی و غیرتست که بینیت دختران پیغمبر (ص) را چنین غارتگری کنند و شما اعانت ایشان نکنید؟ پس به حمایت اهل بیت رو به لشگر کرد» (قمی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۷۳۲) از دیگر زنان، سکینه دختر امام حسین (ع) و رباب بنت امری القیس

پژوهشنامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

بودند که به مقابله با بنی امیه می‌پرداختند. عمر رضا کحاله می‌نویسد: «سکینه روزهای جمعه، مقابل خالد بن عبد الملک می‌رفت و هنگامی که خالد بر منبر به بدگویی حضرت علی (ع) می‌پرداخت، سکینه با خدمتکارانش به او ناسزا می‌گفتند؛ ولی کسی جرأت اهانت به وی را نداشت؛ یا هنگامی که او آبروی هشام را برد، هشام نتوانست که به او چیزی بگوید. این اتفاق، حاکی از اقتدار و شهامت اوست (امین عاملی، ۱۳۴۵، ج ۳، ص ۴۹۲)». دوران امام سجاد (ع)، اوج خفقان و مظلومیت اهل بیت (ع) است؛ ولیکن در این دوران نیز حضور زنان در عرصه سیاسی و دفاع از ولایت دیده می‌شود که می‌توان به دختر حلیمه سعدیه اشاره نمود. ایشان در جواب اهانت حجاج به حضرت علی (ع)، با استفاده از آیات قرآن، فضایل ایشان را بیان و ثابت کرد که حضرت علی (ع)، افضل بر تمام اصحاب پیامبر (ص) هستند (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۵۸). در دوران امام رضا (ع)، می‌توان از زینب بنت سلیمان بن علی، همسر ابراهیم بن محمد، از بانوان صاحب عقل و رای، فصیح و بلیغ و محدثه نام برد. ایشان پیرو ائمه، به‌ویژه حضرت علی (ع) بوده و با آل مروان، به دشمنی پرداخت. ایشان در برهه‌ای از زمان بر روند فعالیت مامون، از جمله پوشش وی تاثیر گذاشته است. هنگامی که مامون با لباس سبز وارد بغداد شد، علویان از زینب درخواست نمودند تا با وی درباره تغییر لباس سبز صحبت کند، زینب به نزد مامون رفت و وی را برای تغییر لباس قانع نمود (غروی نایینی، ۱۳۷۵، ص ۱۹۲).

از دیگر زنان تاثیرگذار در عصر ائمه، حدیث، مادر امام حسن عسکری (ع) است که پس از شهادت ایشان، نقش مهمی را در حفظ تشیع ایفا کردند. به نقل مورخان، وضعیت شیعه در آن زمان، چنان بحرانی شد که در زمان هیچ‌یک از ائمه، چنین وضعیتی پیش نیامده بود (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۹۹). در آن زمان، جعفر کذاب خود را جانشین امام عسکری (ع) معرفی کرد و موجب دو دستگی در بین شیعیان و بیت امام شد. مصادره اموال امام حسن عسکری (ع) توسط وی، موجب گردید تا بازماندگان آن حضرت به لحاظ مسکن، خوراک و پوشاک، در وضعیتی تاسف‌برانگیز قرار بگیرند؛ ولیکن کسی جرأت نمی‌کرد تا از ایشان حمایت کند؛ زیرا در این صورت، دشمن سرسخت دولت قلمداد می‌شد. نکته جالب، حمایت معتمد از جعفر بود (صدر، بی‌تا، ۲۵۴). در آن شرایط، حدیث به‌عنوان تنها وصی

امام (ع)، نزد قاضی رفت و اقامه دعوی وصایت نمود که با اثبات آن، بخشی از اموال آن حضرت به وی داده شد (صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۵۲-۱۵۷؛ ذهبی، ۱۴۰۶، ج ۱۲، ص ۱۲۱-۱۲۲). لازم به ذکر است که اموال امام، افزون بر خانه آن حضرت، شامل موقوفات و صدقات شیعه نیز بود که باید صرف امور شیعیان می‌شد و آن حضرت، حدیث را لایق این مسئولیت دیدند؛ بنابراین دیده می‌شود که در این بحران سیاسی- فرهنگی، این بانوی گرامی، حامی شیعیان و امام زمان (عج) خویش بود و تحولات بسیاری را رقم زد؛ البته در این موارد، حکیمه خاتون، دختر امام جواد و عمه امام عسکری (ع) نیز با ایشان همراه بود؛ به‌عنوان مثال، احمد بن ابراهیم، پس از شهادت امام عسکری (ع) نزد حکیمه رفت و از وی درباره امامت پس از امام عسکری (ع) پرسید. حکیمه در پاسخ، حجت ابن الحسن (ع) را معرفی کرد و در پاسخ وی، در خصوص غایب بودن ایشان، به جدّه مادر ابو محمد ارجاع نمود. او گفت: «آیا من به کسی اقتدا کنم که یک زن را وصی خود قرار داده است؟ حکیمه با زیرکی پاسخ داد: به امام حسین (ع) اقتدا کن که خواهرش زینب را وصی خویش قرار داد» (صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۵۰۷). این روایت از مقام والای حدیث حکایت می‌کند. اینکه یک زن در شرایط خاص آن زمان، پناه شیعیان باشد و رهبر جامعه، او را وصی خود در امور مهم دینی و اقتصادی قرار دهد، نشان از توانمندی این بانوی بزرگوار در عرصه‌های مختلف دارد. نرجس خاتون، مادر امام عصر (عج)، بانوی جلیل‌القدر دیگری هستند که در آن دوران، زندگی کرده و ملجا و پناه شیعیان بودند. ایشان در اختناق شدید سامرا، مخصوصاً پس از شهادت امام عسکری (ع)، در جهت حفظ جان حضرت مهدی (عج) تلاش بسیار نموده، رنج زندان، آزار و اذیت، بازداشت‌های طولانی، انواع خطرهای رفتار آزار دهنده ماموران حکومت عباسی را به جان خریدند تا بتوانند امام زمان خود را محافظت نمایند.

۲. روشنگری سیاسی در قالب مبارزات ادبی زنان

از دیرباز تاکنون، ادبیات و به‌ویژه شعر، جایگاه ویژه‌ای در جوامع مختلف داشته و تأثیر و ماندگاری آن در ذهن افراد با تحریک عواطف و احساسات، اثربخشی ویژه‌ای به آن بخشیده است. این امر در میان عرب، به شکل ویژه مورد توجه قرار گرفت و به‌گونه‌ای، رسانه فرهنگی- سیاسی آنان بوده است و مفاهیم گسترده‌ای را به وسیله آن منتقل می‌نمودند. پس

از رحلت پیامبر (ص) و به‌ویژه در دوران خلیفه دوم، با توجه به شرایط به وجود آمده برای زنان، فعالیت آنان به شکل‌های محدود و خاصی بود. بسیاری از آنان، مخالفت خود را با حکومت با زبان شعر اعلام می‌کردند. اشعار منسوب به زنان این دوران در منابع مختلف، حکایت از نقش و کارکرد مهم شعر در کنشگری سیاسی داشته است. ام البراء بنت صفوان از زنان شاعره شیعه، در نبرد صفین حضور داشت و با اشعار خود، به تحریض یاران حضرت علی (ع) پرداخت (ضبی، ۱۴۰۳، ص ۴۴)؛ همچنین برای دفاع از حضرت علی (ع)، مرثیه‌ای را در مورد ایشان سرود (مدرس، ۱۳۴۶، ج ۶، ص ۲۰۹). ام الهیثم، بانوی شاعره دیگری است که در مظلومیت حضرت علی (ع) اشعاری را سروده است (مدرس، ۱۳۴۶، ج ۶، ص ۲۵۸). ام رحله قشیری از صحابه، شاعره‌ای بود که پس از رحلت پیامبر، برای دفاع از ولایت، با حسنین (ع) در کوچه‌های مدینه گردش می‌کرد و می‌گریست. وی زمانی که به در خانه حضرت فاطمه (س) رسید، این بیت را انشا کرد: «ای خانه فاطمه، ای خانه‌ای که با وجود رسول الله آباد بودی و رونق داشتی. اینک مرا دچار اندوه کرده‌ای و حزن‌های مرا به جوش آورده‌ای» (حسینی کهلهایی، ۱۳۸۴، ص ۵۱).

ام مسطح دختر انیس بن عبد المطلب، بانوی شاعره دیگری بود که در ایامی که ابوبکر و عمر خلافت را غصب کردند، به زیارت قبر پیامبر (ص) رفت و برای اعتراض، ابیاتی را در مخالفت با حاکمان جور سرود (حسینی کهلهایی، ۱۳۸۴، ص ۵۳). غانمه دختر نمانم، از بانوان شجاع و از بهترین طرفداران امام علی (ع) بود که در فصاحت و بلاغت، سرآمد زنان عصر خود به شمار می‌رفت. ایشان در مقابله با معاویه و عمرو بن عاص که دستور لعن به حضرت علی (ع) را صادر کردند، در جایگاه مخصوص مکه ایستاد و فضایل اهل بیت را با اشعار بسیار مودبانه و حماسی بیان کرد و در مقابل، معاویه و خاندان او را رسوا نمود (همان، ص ۵۴). از دیگر بانوان شاعره، سکینه دختر حسین بن علی و رباب بنت امری القیس هستند. ایشان از بهترین شعرای زمان خویش در دوران امام سجاد به شمار می‌روند که از جایگاهی والا برخوردار بودند. بزرگان شعرا و ادبای قریش به نزد او می‌آمدند و ایشان، اشعارشان را تصحیح می‌نمود (قمی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۶۰). دیدار وی با جمعی از شعرا، از جمله فرزندق را جمعی از بزرگان در کتاب‌هایشان نقل کرده اند (غروی نایینی، ۱۳۷۵، ص

۲۰۹-۲۱۱). در دوران خفقان پس از واقعه عاشورا، ایشان با سلاح شعر به مبارزه با حکومت جور می‌پرداخت. از دیگر زنان شاعر، دختر اسلم بن عبد البکری بود که با خواندن اشعاری، چنان بر حجاج اثر گذاشت که دستور قتل پدرش را ابطال و او را آزاد کرد و حتی به او ۱۰۰ دینار هدیه داد (صفوت تبریزی، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۱۴۴).

۳. روشنگری سیاسی در قالب مرثیه‌سرایی و عزاداری

بعد از شهادت امام حسین (ع)، خفقان شدیدی جامعه اسلامی را فرا گرفت و محدودیت بسیاری برای شیعیان به وجود آمد. میزان اختناق به گونه‌ای بود که هر صحبت حقی، در نطفه خفه می‌شد و به غیر از مبارزه غیر مستقیم، راهی برای مخالفت وجود نداشت. بدیعترین شکل آن، در مناجات‌ها، صحبت‌ها و مرثیه‌های امام سجاد متبلور است. در این میان، فعالیت‌های سیاسی زنان نیز شکل تازه‌ای به خود گرفته بود و در قالب مرثیه و عزاداری (البته به صورت محدود)، ارائه گردید. از زنان سرآمد در این حوزه، رباب دختر امری القیس، همسر امام حسین (ع)، مادر علی اصغر بوده است. علامه مامقانی، وی را از زنان راوی شمرده و عمر رضا کحاله، او را از شاعران عرب و برگزیده‌ترین زنان زمان خویش معرفی کرده است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۵، ج ۱۷، ص ۴۵). ایشان در کربلا حضور داشته و در مدینه شبانه‌روز گریه می‌کردند و در سوگ حضرت، شعر می‌سرود (ابن اثیر، ۱۴۰۷ق، ص ۴، ۸۸). در واقع با استفاده از ابزار شعر در عزاداری، به بیان مظلومیت امام حسین (ع) و یارانشان پرداخته و به این وسیله، پیام کربلا را به مردم انتقال دادند و کسی هم نمی‌توانست وی را منع کند. از دیگر زنانی که با مرثیه‌سرایی به مبارزه سیاسی پرداختند، ام البنین همسر حضرت علی (ع)، مادر حضرت ابوالفضل (ع) بودند. ایشان در کنار بقیع می‌نشستند و اشعاری سوزناک می‌خواندند. ایشان در اشعارشان این چنین می‌گفتند: «ای کسانی که دیدید عباس من بر جمعیت فراوانی حمله کرده، به من خبر داده‌اند که دست‌های پسر مرا قطع کردند و عمود آهنین بر فرق او زده‌اند. من می‌گویم که اگر دست در بدن داشت، کسی را جرات نزدیک شدن به او نبود» (قمی، ۱۳۷۵، ص ۴۶۵). بدینسان در روزگاری که مردان جرات مخالفت با خلفا نداشتند، زنان با سخنان بلیغ و زبان شعر، به دفاع از حقانیت اهل بیت می‌پرداختند.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۴. تقیه

یکی از راه‌های مبارزه در دوران ائمه، رویکرد تقیه است تا به‌وسیله آن، اندک یاران ائمه حفظ و از انقراض آنان جلوگیری شود. از جمله زنانی که نقش موثری در فهم و اجرای این رویه داشت، ام سلمه همسر رسول الله (ص) بود. ایشان در دوره خلافت معاویه، با فهم شرایط اجتماعی آن دوران که فشار و شکنجه بر شیعیان بسیار زیاد بود، تقیه پیشه کرده و اطرافیان خود را نیز به این امر تشویق نمود که این مطلب نشان از بینش و درک عمیق وی از اوضاع زمان دارد. از جمله وقتی بُسربن ارطاه، والی مدینه شد و هیچ‌یک از مردان بنی سلمه با وی بیعت نکردند، ام سلمه به جابر پیغام داد که با وی بیعت کنند و گفت: «می‌دانم که بیعت با وی ضلالت است؛ لکن در این شرایط چاره‌ای جز بیعت ندارید» (طبری، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۷۲؛ کحاله، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۲۶).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۲۴

۵. مدیریت امور مسلمانان در جهت کاهش حساسیت سیاسی:

از زنان عالمه در دوران امام صادق (ع)، حمیده بربریه المصفا، دختر صاعد بربری اندلسی است (مفید، ۱۳۹۹، ص ۲۸۴-۲۸۸). وی که از بردگی، تحت تربیت امام به مقام اجتهاد دست یافته بود، از سوی امام صادق (ع) تقسیم حقوق اهل مدینه را عهده‌دار بود (محلّاتی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۸)؛ همچنین حدیث، همسر امام هادی (ع) و مادر امام حسن عسکری (ع) که با توجه به توانمندی این بانوی بزرگوار و برای کاهش حساسیت دستگاه جاسوسی خلافت عباسی و زدودن خطر از امام زمان (ع)، توسط امام عسکری به‌عنوان وصی معرفی شدند؛ با آنکه هم‌فرزند داشتند و هم برادرشان در قید حیات بود (صدوق، ۱۴۰۵، ص ۴۷۳-۴۷۴). حکیمه خاتون بانوی فاضله‌ای بودند که بعد از وفات امام حسن عسکری (ع)، منصب سفارت از امام زمان (عج) داشته و عرایض مردم را به آن حضرت ابلاغ نموده و توقیعات آن حضرت را به مردم می‌رساندند (حسینی کهلایی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴).

ج. فعالیت در عرصه جهادی - نظامی

فعالیت زنان در عرصه نظامی نیز به اشکال مختلف دیده می‌شود که عبارتند از:

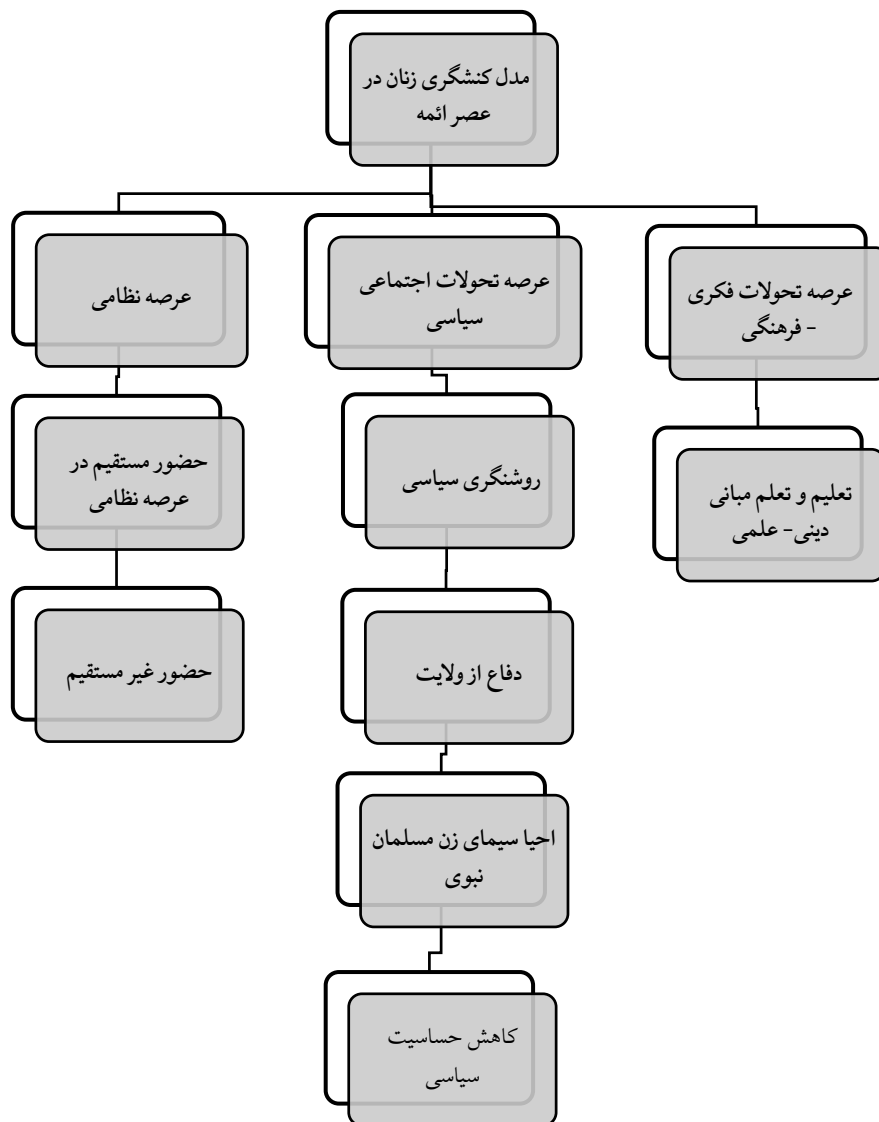
۱: حضور فیزیکی در عرصه کارزار

فعالیت زنان در عرصه جهاد به‌عنوان مبارز، بسیار کم دیده می‌شود و این به عدم وجود این امر برای زنان در اسلام برمی‌گردد؛ ولیکن در برخی موارد به دلایلی همچون اضطرار، حضور زنان به‌عنوان جنگاور دیده می‌شود که پررنگ‌ترین آن را می‌توان پس از جنگ جمل عنوان نمود. پس از جنگ جمل، به فرمان امام علی (ع) وظیفه همراهی عایشه، به ۴۰ و به قولی ۷۰ نفر از زنان جنگاور با پوشش مردانه سپرده شد تا وی را تا مدینه بدرقه کنند. این استراتژی بدیع، زمینه‌ساز خنثی شدن توطئه‌های پس از جنگ عایشه گردید که ادعا می‌کرد، چرا او را با مردان همراه نموده‌اند (احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۵۶، ۸۲؛ امینی و دشتی، ۱۳۹۱، ص ۲۳-۴۵). شکل دیگر حضور نظامی زنان، فعالیت به‌عنوان مخبر سری بود. ام الفضل دختر حارث، از زنانی بود که مسئول تهیه اخبار سری برای امام علی (ع) بود و اخبار دمشق را برای ایشان ارسال می‌کرد (حسینی کهلهایی، ۱۳۸۴، ص ۳۴).

۲: تبدیل محل زندگی به پشت جبهه مبارزه

دوران امامت امام حسین (ع)، عرصه نابی برای درخشش حضور سیاسی زنان به اشکال مختلف است. در این دوران، زنان پیرو امام حسین (ع) در آزمایشی سخت قرار گرفته و حماسه‌ای بی‌بدیل خلق نمودند. یکی از این عرصه‌ها، حضور زنان برای تامین و تجهیز نیروی حق علیه باطل بود. ماریه بنت منقذ، بانویی از عبدالقیس، در دوران قحطی مردان برای یاری امام زمان خود، منزلش را در بصره، محل تجمع شیعیان و راهی شدن برای کربلا قرار داده بود. یزید بن ثبیط به‌همراه دو نفر از پسرانش، از افراد اعزامی آنجا بودند (قمی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶۵۴). بانوی جلیل‌القدر دیگر، طوعه کنیز اشعث بن قیس بود. وی با فهم دینی - سیاسی، و رای زمان خود به یاری مسلم بن عقیل در کوفه پرداخت و در زمانی که یارانش وی را تنها گذاشتند، پنهانی ایشان را به خانه برد و از ایشان پذیرایی کرد (قمی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۸۲). از دیگر زنان جبهه مقابل که در سنگر خانه به حمایت از ولایت پرداخت، زن یزید بود. در کامل بهایی، از حاویه نقل کرده است: «یزید شراب خورد و بر سر امام حسین (ع) ریخت، زن یزید آب و گلاب برداشته و سر مقدس امام را با آن شست. وی آن شب، حضرت فاطمه (س) را در خواب دید که از او تشکر کردند (قمی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۷۹۰-۷۹۱)».

نمودار ۲: مدل کنشگری زنان در عصر معصوم (ع)



تحلیل و ارائه مدل شیوه کنشگری زنان در عصر ائمه

باتوجه به مطالب بیان گردیده در قسمت‌های قبل، مبنی بر شیوه‌های حضور زنان در جامعه متبرک به حضور عینی معصوم، دیده می‌شود که اشکال متعدد حضور زنان متدین در عرصه‌های مختلف، توسط امام عصر در آن زمان نهی نگردیده و حتی مورد تأیید نیز بوده است که ابعاد آن در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۱: نحوه کنشگری زنان در عصر ائمه

| نوع فعالیت | عرصه | |
|---|-------------------------------------|---|
| ۱. نگارش کتاب ۲. کوشش در کسب علم و دستیابی به مقام اجتهاد و حلقه تدریس ۳. فعالیت در علم نجوم و سایر علوم ۴. پاسخ‌گویی به شبهات و سئوالات زنان شیعه ۵. فعالیت در عرصه سلامت ۶. کلاس درس ۷. آگاهی‌بخشی ۸. مطالبه‌گری | تعلیم و تعلم مبانی دینی- علمی | فعالیت در عرصه تحولات فکری- فرهنگی جامعه اسلامی |
| ۱. به‌طور مستقیم از پیامبر ۲. به‌طور غیر مستقیم از صحابه و یاران پیامبر ۳. روایت از ائمه | روایت حدیث | |
| ۱. ارائه تصویر صحیح از زن مسلمان ۲. جلوگیری از نهادینه شدن باورهای غلط ۳. دفاع از ارث زن | احیا سیمای زن مسلمان نبوی | فعالیت در عرصه تحولات اجتماعی سیاسی |
| ۱. روشنگری سیاسی در قالب حضور در مجالس، صحبت و خطابه ۲. روشنگری سیاسی در قالب مبارزات ادبی زنان ۳. روشنگری سیاسی در قالب مرثیه‌سرایی و عزاداری ۴. تقیه | روشنگری سیاسی و دفاع از ولایت | |
| ۱. حضور فیزیکی در عرصه دفاع و جهاد ۲. تبدیل محل زندگی به پشت جبهه مبارزه | حضور مستقیم و غیر مستقیم | فعالیت در عرصه نظامی |

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

با بررسی سه رویکرد نظری در حوزه حضور زنان، شیوه کنشگری زنان در سیره معصوم (ع) در قالب رویکرد سنت‌گرایی نمی‌گنجد؛ زیرا از یک جهت، معصوم، زنان را نیروی مختص فضای منزل ندانسته و در عرصه‌های مختلف، حضور آنان را نهی نکرده‌اند؛ پس در نتیجه رویکرد سنت‌گرایی اسلامی که غالباً بر بعد فردی تأکید داشته و اگر در جایی هم بعد اجتماعی را مدنظر قرار دهد، تفسیر فردگرایانه داشته است و اگر باتوجه به مبانی ساختاری، رویکرد زن در خانه و برای خانواده را انتخاب نموده و برای حضور زنان در جامعه، حضور در حد ضرورت را متصور است، باسیره ایشان منطبق نیست؛ ازسوی دیگر، حضور بی‌قید و شرط زنان در همه عرصه‌های اجتماعی که حتی به قیمت تخریب بنیاد خانواده و نادیده گرفتن نقش همسری و مادری زنان که رهاورد تفکر غربی و جنبش فمینیسم بوده و شان زن را در حد نیروی کار ارزان قیمت یا کالای جنسی کاهش داده، مورد تأیید معصوم نیست؛ در نتیجه رویکرد تجددگرایی اسلامی نیز مورد قبول نمی‌باشد. باتوجه به نتایج تحقیق، تفکر تمدن‌گرایی اسلامی، با قائل بودن به حضور اجتماعی موثر زنان، تحت شرایط معین، همچون حفظ کرامت زن در خانه و اجتماع، عدم آسیب به نقش همسری و مادری، رشد، تحصیل و دستیابی به اجتهاد و حتی اشتغال در شرایط اجتماعی سالم (نه در هر شرایطی)، در بسیاری از موارد در راستای مدل کنشگری زنان در عصر معصوم است که می‌تواند الگویی در جهت فعالیت موثر دختران و زنان جامعه شیعی ارائه گردد.

نتیجه‌گیری

در اسلام، اصل بر اشتراک بین زن و مرد در نظام هستی، تداوم حیات اجتماعی و همه اصول ارزشی - حقوقی است و تفاوت‌ها، تنها مربوط به جاهایی است که تفاوت‌های جنسیتی وجود دارد؛ از جمله جاهایی که این تفاوت در عملکرد زنان تأثیر می‌گذارد، حضور اجتماعی در اشکال مختلف است. در عصر حاضر، سه جریان سنت‌گرایی اسلامی، تجددگرایی اسلامی و تمدن‌گرایی اسلامی، به‌عنوان مهم‌ترین جریانات فکری موجود در بستر اسلامی بیان می‌گردند که هرکدام، رویکرد متفاوتی نسبت به حضور زنان در جامعه دارد. هرکدام از این رویکردها، از نفی حضور تا تأیید کامل را دربر می‌گیرند که موافقان و

مخالفانی را به همراه دارد؛ لذا توجه به این موضوع در شرایط عصر حاضر و حضور جریانات مختلف فمینیستی، دغدغه بسیاری از اسلام‌مداران بوده است. با توجه به تشت آرا در این زمینه، توجه به رویکرد ائمه به عنوان راهبران جامعه اسلامی، می‌تواند راهگشای زن مسلمان در عصر حاضر باشد.

با بررسی منابع، دیده می‌شود که شرایط پس از رحلت رسول الله (ص)، زمینه حضور زنان در جامعه را تحت الشعاع قرار داد و موجب کاهش چشمگیر فعالیت زنان در جامعه و انزوا و خانه‌نشینی آنان شد. این امر در زمان خلیفه دوم تشدید گردید؛ به گونه‌ای که هنگامی که خلافت حضرت علی (ع) مطرح شد، زنان با دیدن رویه ایشان در سال‌های قبل، برای رهایی از این شرایط، با جان و دل خواهان خلافت آن حضرت شدند. در زمان امامت ائمه (ع)، نقش زنان با توجه به شرایط آن دوران متفاوت بود و شرایط اجتماعی و اختناق و فشارهای سیاسی موجود، نوع کنشگری زنان را تعیین می‌کرد؛ از جمله در عصر امامت حضرت علی (ع) و پیش از به خلافت رسیدن ایشان، زمان امامت امام حسن (ع)، امام سجاد (ع)، امامت امام کاظم (ع)، امامت امام جواد (ع)، امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع)، فعالیت زنان در زمینه‌های کنشگری آموزشی - فرهنگی و اجتماعی، مثل فعالیت ادبی (سرودن شعر)، فعالیت علمی و روایت حدیث، دیده می‌شد که به‌طور غیر مستقیم، تحولات فکری جامعه را هدایت می‌کرد. عرصه دیگر فعالیت زنان در عصر ائمه، فعالیت در عرصه تحولات سیاسی اجتماعی است که در قالب احیاء سیمای زن مسلمان و روشنگری سیاسی است. فعالیت‌ها در قالب روشنگری سیاسی، در قالب حضور در مجالس، صحبت و خطابه، مبارزات ادبی زنان، مرثیه‌سرایی-عزاداری و تقیه می‌باشد که در قبل و بعد از واقعه عاشورا اوج گرفت. حتی فعالیت نظامی زنان هم به اشکال مختلف و به میزان کم دیده می‌شود. در دوران امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، شرایط برای فعالیت فرهنگی زنان در زمینه‌های مختلف، مخصوصاً زمینه علمی، بسیار گسترش یافت و زنان زیادی به تعلیم و تعلم و آموزش معارف دین پرداختند و شاگردان زن بسیاری از محضر این دو بزرگوار کسب فیض کردند و ممانعتی از جانب این بزرگواران در این خصوص وجود نداشت.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که حضور زنان در دوران ائمه، با دو الگوی سنت‌گرایی و

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

تجددگرایی اسلامی، مطابقت نداشته و تناقض‌هایی را نشان می‌دهد؛ ولیکن الگوی تمدن‌گرایی اسلامی، با شیوه عمل معصوم هم‌خوانی بیشتری دارد. در این شیوه، حضور زنان به‌عنوان پتانسیل اثربخش در عرصه‌های فعالیت گسترده اجتماعی، با رعایت موازین دینی، بلوغ تمدنی آنان را فراهم کرد. در این نظریه، از انزوا و خانه‌نشینی نیمی از نیروی عظیم اجتماعی ممانعت نموده است؛ ولیکن به شکل بی‌قید و بند نیز آن را رها نکرده است. این الگو، مدل مطلوب حضور زن در جامعه می‌باشد و می‌تواند اسلام شیعی را به‌شکلی جذاب برای زنان و دختران مسلمان ارائه نماید و آن‌ها را از افتادن در دام تفکرات غربی - فمینیستی، محافظت نماید.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

منابع:

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، ترجمه محمد تقی جعفری، تهران، موسسه تدوین و آثار علامه جعفری و دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، چاپ ۲، بیروت، دارالاحیاء المکتب العربیه، ۱۳۸۳ ق.
- ابن اثیر جزری، عزالدین، الکامل فی التاریخ، ج ۴، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
- ابن جوزی، منتظم فی تاریخ الملوک و الامم، محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عطا و نعیم زرزود، دارالکتب العالمیه، بی تا.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب ابن شهر آشوب، ترجمه علیرضا رجالی تهرانی، قم، خادم الرضا، چاپ هشتم، ۱۳۸۸.
- ابن طیفور بغدادی، بلاغات النساء، تحقیق برکات یوسف هتود، بیروت، المکتبه العصریه، ۱۴۲۱ ق.
- احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۵۶.
- احمدی، سید مهدی، سیدی جربندی، سیده رقیه، مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه کتاب، سنت و فقه اسلامی، زن و جامعه، دوره ۲، شماره ۵، فروردین، (۱۴۱-۱۶۰)، ۱۳۹۰.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه عن معرفه احوال الائمه و اهل بیت العصمه، ج ۳، بیروت، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۱ ق.
- اسماعیلی فلاح، مرضیه، خسروشاهی، قدرت الله، پاکزاد، الهه، شاخصه های حاکم بر مشارکت زنان از دیدگاه اسلام، مطالعات اسلامی زن و خانواده، سال ۱۰، شماره ۱۸، بهار و تابستان، ۱۴۰۲.
- اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.
- امین عاملی، محسن، اعیان الشیعه، مترجم کمال موسوی، تهران، نشر اسلامیه، ۱۳۴۵.
- امینی، علی اکبر، فرزانه دشتی، پیامدها و دستاوردهای حکومت امام علی (ع)، پژوهشنامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان (۲۳-۴۵)، ۱۳۹۱.
- امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب والسنه و الادب، اسلامیه، تهران.
- اوحدی حائری، پروین دخت، نقش سیاسی و اجتماعی حضرات حدیث و نرجس خاتون، فصلنامه بانوان شیعه، سال پنجم، شماره ۱۶، (۱۶۴-۱۴۱)، ۱۳۸۷.

پژوهشنامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

- مدل مفهومی کنشگری اجتماعی زنان بر اساس سیره امامان معصوم (ع) در قیاس با جریان‌های فکری معاصر
- ایزدی، مهدی، حسین مهدوی منش، پی جویی خانواده و کارکردهای تربیتی آن در آموزهای امام سجاد با تاکید بر شیوه‌های انحراف زدایی و فضیلت افزایی، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، سال ششم، شماره اول، (۴۵-۸۶)، ۱۳۹۱.
 - بکار الضبی، العباس، اخبار الوافدات من النساء علی معاویه بن ابی سفیان، تحقیق سکینه شهابی، الطبعة الاولى، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۳ق.
 - پور عزت، علی اصغر، مختصات حکومت حق مدار در پرتو نهج البلاغه امام علی (ع)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۷.
 - پیروزمند، علیرضا، تکامل گرایی در مسئولیت اجتماعی زنان، مجموعه مقالات سومین همایش اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۴.
 - جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جمال و جلال، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، ۱۳۶۹.
 - حاجی اسماعیلی، سمیه، زیبایی نژاد، محمدرضا و همکاران، تحلیل مستندات قرآنی حیطه مدیریت بانوان با تأکید بر سه رویکرد اندیشه اجتماعی دینی، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۴۶، (۱۵۷-۱۹۶)، ۱۳۸۹.
 - حسن پور، محسن، مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان از دیدگاه قرآن، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۲۱، شماره ۴، پیاپی ۸۴، (۱۵۱-۱۶۲)، ۱۳۹۳.
 - حسون، محمد، اعلام النساء المومنات، تهران، نشر اسوه، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
 - حسینی کهلایی، سید نعمت الله، زنان فاضله در صحنه دانش و اندیشه، قم، جامعه مدرسین، چاپ ۱، زمستان، ۱۳۸۴.
 - حسینی، سیدابراهیم، «احکام و فلسفه احکام: نحوه حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی از نگاه استاد مطهری»، فصلنامه مکاتبه و اندیشه، ۳۴، (۱۷۴-۱۵۵)، ۱۳۸۸.
 - حلی، ابن طریق، عمده الطالب (العمده)، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
 - خویی، ابوالقاسم، معجم الرجال الحدیث، قم، مدینه العلم زینت العلم، ج ۵، بی تا.
 - دلیر، نیره، مشارکت اجتماعی زنان در سیره پیامبر و مقایسه آن با قرائت غزالی در احیاء علوم الدین، مطالعات تاریخ اسلام، سال ۵، شماره ۱۹، (۴۹-۶۹)، ۱۳۹۲.
 - ذهبی، شمس الدین، سیر اعلاء النبلاء، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۶ق.
 - زاهد، سعید، خواجه نوری، بیژن، جنبش زنان در ایران، شیراز، نشر ملک سلیمان، ۱۳۸۴.
 - زاهد زاهدانی، سید سعید، هاشم پور صادقیان، مریم، بررسی و ارزیابی الگوی حضور اجتماعی زنان از منظر جریان‌های فکری اسلامی، کنگره بین المللی علوم اسلامی، ۱۴۰۲.

- سبحانی، محمدتقی، *الگوی جامع شخصیت زن مسلمان*، ج ۱، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۵.
- سلطان محمدی، حسین، فاطمه سلطان محمد، تبیین مولفه‌های سیاست اخلاقی امام علی (ع) پس از رسیدن به امامت و حکومت، پژوهش‌نامه علوی، شماره اول، بهار و تابستان، (۹۱-۱۱۶)، ۱۳۹۱.
- شادی طلب، ژاله، مشارکت اجتماعی زنان، پژوهش‌نامه زنان، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷، پاییز، (۱۴۱-۱۷۶)، ۱۳۸۲.
- صدر، سید محمد، امام مهدی و غیبت صغری، ترجمه محمد امامی شیرازی، قم، جهان آرا، بی‌تا.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم، النشر الاسلامی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- _____، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۲، قم، النشر الاسلامی، بی‌تا.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۶، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
- _____، ج ۷، بنیاد فرهنگ ایران.
- طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه، تحقیق عبدالله الطهرانی و الشیخ علی احمد ناصح، قم، المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
- _____، رجال طوسی، منشورات المکتبه الحیدریه، نجف، الطبعة الاولى، ۱۳۸۱ ه.ق.
- علوی عمری، ابوالحسن علی بن محمد بن علی، المجدی فی انساب الطالبین، قم، مطبعه سیدالشهداء، ۱۴۰۹ق.
- غروی نایینی، نهله، محدثان شیعه، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- فاضلی، احمد، نقش زنان شیعه در عصر امام علی (ع)، قم، میثم تمار، ۱۳۸۱.
- فهیم کرمانی، مرتضی، زن و پیام‌آوری، تهران، فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- قمی، شیخ عباس، منتهی الامال، قم، هجرت، چاپ نهم، ۱۳۷۵.
- قهپایی، عنایه الله بن علی، مجمع الرجال، ج ۷، قم، اسماعیلیان، بی‌تا.
- کاتب واقدی، محمد بن سعد، طبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۸، تهران، فرهنگ و اندیشه، چاپ ۲، ۱۳۸۸.
- کحاله، عمر رضا، اعلام النساء فی عالم العرب و الاسلام، بیروت، الرساله، چاپ ۵، ۱۴۰۴ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۷، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

مدل مفهومی کنشگری اجتماعی زنان بر اساس سیره امامان معصوم (ع) در قیاس با جریان‌های فکری معاصر

- مامقانی، عبدالله بن محمدحسن، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۳، نجف، ۱۳۵۲ق.
- مدرس، محمد علی، ریحانه الادب، تبریز، شفق، ج ۲، ۱۳۴۶.
- مستعصمی، یاقوت، مرآت الاعتبار فی احوال الرجال ترجمه رساله الحكماء، ترجمه محمد علی صفوت تبریزی، چاپخانه مجلس، ۱۳۵۷.
- مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیه، طبع الرابعه، نجف، المطبعه الحیدریه، ۱۳۷۴ق.
- محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه در ترجمه بانوان دانشمند شیعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۵، بی تا.
- محمص، مرضیه، علامه محمد حسین فضل الله و فراخنای اندیشه شیعی در حوزه مشارکت اجتماعی زنان، بانوان شیعه، سال ۹، شماره ۲۹، پاییز و زمستان، (۲۶۱-۲۸۶)، ۱۳۹۱.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، چاپ ۲، ۱۴۰۳ق.
- _____، حلیه المتقین، تهران، رشیدی، چاپ ۲، ۱۳۶۲.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، بیروت، العلمی للمطبوعات، چاپ ۳، ۱۳۹۹ق.
- ملا سلمانی، فرشته، علی قایمی، سعید بهشتی، بررسی مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه، روان شناسی تربیتی، شماره ۱۷، سال ۶، (۱۲۰-۱۴۵)، ۱۳۸۹.
- مهدوی راد، محمد علی، فتحیه فتاحی زاده، «مبانی شخصیت زن از دیدگاه اسلام»، علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال ۱۱، شماره ۴۰، زمستان (۱۹۷-۲۲۴)، ۱۳۸۰.
- نجمی، محمد صادق، سخنان حسین بن علی (ع)، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.
- هندی، علاء الدین، کنز العمال، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴